ف، هیرمند ۲۰۱٤/۰۱/۰٦

# مقایسهٔ بازار کتاب وکتاب خوانی در کابل

نگارش زیبا و گیرایی را از قلم توانمند محترم محمد اکرام اندیشمند در رسانهٔ روشنگر گفتمان نیک مطالعه کردم، ایشان با اندیشه و دیدگاه هدفمند به یک موضوع خیلی جدی پرداخته اند، راستی مقیاس کتاب و کتاب خوانی در یک جامعه حد اقل تپش نبض آنرا برای عشق به دانش تا حدودی نشان می دهد، دانش برای ارتقای دانسته های نظری، دانش برای فراگیری مسلک و تخصصی جهت پیدا کردن یک لقمه نان، جهت دریافت پاسخ به پرسش های متعددی که شرایط و ابعاد مختلف اوضاع کنونی مطرح کرده است، بدست آوردن کتاب شاید برای تکمیل یک موضوع تحت مطالعه، که مرجع علمی معینی برای دانشجویش سپرده است خواندن کتاب برای مشغولیت و تفریع و یا هم شاید به خاطر هدف های دیگر، اینها همه اسبابی اند که انسان را به سوی کتاب رهنمون می شوند، دیده می شود که کتاب و کتاب خوانی امروزه گسترهٔ نسبتاً وسیع را احتوا می کند. ولی اما اذعان باید نمود که تاحال تنها به جوانب کمی عرصه های نیاز به کتاب برشمرده شده اند و به محتوی و کیفیت مطالب کتب عطف توجه صورت نگرفته است. اگر ما تنها در محدودهٔ همین صرفاً ارزیابی کمی هم توقف کنیم، به واقعیت هایی دست خواهیم یافت که با دریافت های جناب اندیشمند زیاد مطابقت نخواهند کرد، در زیر مسأله را چنین دنبال می کنیم:

اواسط دههٔ پنجاه سال های هجری شمسی، فکر می کنم به گمانم نفوس کشور ما در حدود پانزده میلیون گفته می شد فیصدی نفوس کشور که به مکتب و پوهنتون و فاکولته انستیتوت و دارالمعلمین و. . . می رفتند و ما در این قلمرو مؤسسات تعلیمی ثانوی وعالی خصوصی هم نداشتیم، خیلی ها کمتر از آن کمیتی بود که امروزه در برابر خویش داریم. ده ها مؤسسهٔ تعلیمات عالی دولتی وخصوصی در سراسر کشور بنیان گذاشته شده اند، البته اینها همه محصول تلاش های خود مردم و به ویژه نسل جوان کشور است که در خط اول هر تحولی نباید نقش و سهم ایشان فراموش شود، بنده که طی سال های ۲۰۰۵ تا ۲۰۱۲ وظیفهٔ مدرسی را در مؤسسات عالی تعلیمی وطن عهده دار بوده ام در همین سال ها در مرکز چند ولایت گشت و گذار های کاری نیز داشته ام، چشم دیدم در بارهٔ وجود کتاب و بالنتیجه میل به کتاب خوانی را به عرض می رسانم.

اگر به خاطر داشته باشید در شهر کابل ما در سال ۱۳۵۵ هـ ش به سختی می شد صد کتاب فروشی را دستیاب کرد که عرضه کنندهٔ کتب حاوی علوم جدیده باشند، کتاب فروشی های معمول و قدیمی یا فروشندگان آثار دینی چاپ مطابع سنگی یا همان بازار کتاب فروشی شهر کهنهٔ کابل که بخشی از آن در بازار کاه فروشی کابل ادامه می یابد، امروزه حتی تعداد آنها نیز به دلایل متعددی افزایش یافته است، کشور ۲۷ و نیم میلیونی ما حالا در پایتخت خود بیش از صد ها کتاب فروشی دارد، ده ها مؤسسهٔ توزید کتاب دارد، شاید در حدود ده ها چاپ خانه و دستگاه نشراتی را داراست، گرچه گاهی نرخ فروش این کتب خیلی ها گران می باشند، ولی اما این مشکل به برکت فقدان حضور و عدم رعایت اصول و قواعد «کاپی رایت» در جنگل پشاور (به تعبیرغیابت قانون در آن ولا) حل می شود، کتاب های گران قیمت را در آنجا به صورت غیر قانونی چاپ مجدد کرده و حتی به قیمت کمتر از نصف قیمت چاپ اصلی آن کتاب به فروش می رسانند، که این تخلف باعث کاهش فروش کتب چاپ اصلی آن آثار می گردد باید متذکر شد که فرهنگ فساد و اضافه خواهی در حوزهٔ تثبیت مفاد معقول از چاپ و فروش کتب نیز به دور نیست و این خود مسبب، انکشاف بازار سیاه چاپ کتب گردیده است.

کابل امروز مارکیت مخصوص فروش کتب دارد، متبارزترین آن کتاب فروشی های مارکیت جوی شیر جادهٔ آسمایی است، به ده ها تجارت خانهٔ فروش عمدهٔ کتب در مقابل بانک تجارتی کابل پهلوی رستورانت معروف آرین نیزکار و بار می کنند، و به صد ها کتاب فروش دوره گرد به دست فروشی کتاب مشغول اند، در جادهٔ میوند چند کتاب فروشی عمده و پرچون حاوی کتب خیلی ها متنوع حتی فرمایشات کتاب مورد نیاز مشتریان را می گیرند، بدون مبالغه در شهر کابل هر نوع کتاب را می توان دستیاب نمود، مشروط بر آنکه بازار آن را جست و جو و پیدا کرده بتوانیم، به


افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارئ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړیکه ټینګه کړئ maqalat@afghan-german.de
یادونه: دلیکني د لیکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیږلو مخکې په ځیر و لولئ

همین ترتیب در شهر هرات تنها در یک بازار آن در حدود ۳۰ کتاب فروشی را من حساب کردم، در شهر مزار شریف حتی بیشتر از هرات بازار کتاب را گرم یافتم در فیض آباد بدخشان نازنین نیز کتاب فروشی هایی را دیدم، در شهر کندز نیز کتاب، بازار خود را داشت.

حالا محاسبه می کنیم، نفوس کشور حال اگر یک افزایش تقریباً ۸۰ فیصد را نشان بدهد، در برابر آن کتاب و بازار آن بدون شک ده ها برابر افزایش یافته است، به این صورت حوزۀ توجه به کتاب کم نشده بلکه خیلی وسیع هم گردیده است.

کتاب چاپ می شود، خلاف اصل کاپی رایت چاپ قاچاقی می گردد، وارد می شود، به طرق مختلف بدست آمده و در بازار توزیع می گردد، بالاخره این همه کتاب ها، خوانندگانی و مطالعه کنندگانی دارد، که به مقایسۀ نفوس ۱۵ میلیونی سال ۵۵ هـ ش و تعداد کتاب های مورد عرضۀ آن زمان، و ملاحظۀ نفوس ۲۷ و نیم میلونی موجود و کتاب های مورد عرضۀ فعلی، رشد کمی کتاب خوان ها را به مراتب نسبت به آن سال ۵۵ هـ ش اضافه تر نشان می دهد.

قابل توضیح است که آن کتاب هایی که در چاپ خانه های قانونی طبع شده و به صورت رسمی ثبت می شوند، توسط، جمعی قابل توجه نویسندگان، عالمان، پژوهشگران، محققان و کارگزاران عرصه های علم و دانش و اکادمیک تحریر، تهیه و تألیف می گردند، جنب و جوش اجتماعی کنونی زمینۀ رجوع به کتاب را به یک ضرورت مبدل ساخته است، انجمن های نویسندگان، ژورنالیستان، حوزه های متعدد علم و هنر و فرهنگ و جامعۀ مدنی و فعل و انفعالات سیاسی خود بازار کتاب را خوب داغ کرده است. و این در حالیست که تعدادی از باسوادان ما که وضع اقتصادی بهتری دارند، با وسایل مدرن امروزی مانند کامپیوتر، نیاز ایشان به اطلاعات علمی را از آن طریق مرفوع می سازند، گرچه دشوار است متیقن بود که با تألیفات سرپایی و شتابزدۀ رایگان رسانه های انترنتی بتوان اساسات ریشه یی یک مسلک را فرا گرفت، اما بدون شک امروز این عرصۀ ارائۀ معلومات، رقیب جدی کتب مطبوع به شمار می رود. در این مورد باید علاوه نمود که کتابخانه های دیجیتلی را نیز باید به حساب آورد که در جادۀ نادرپشتون کابل در مارکیت هایش به فروش می رسند، مثلاً با خرید یک کتاب خانه به مبلغ فرضی حد اکثر ۱۵ دالر می توان چند هزار جلد کتاب و یا بیشتر از آن را در اختیار داشت، اما به هرصورت، استفاده از این امکان، منحصر به آنانی است که کامپیوتر دارند، واقعیت این است که اکثریت نیازمندان به کتاب، مانند اکثریت عظیم مردم وطن ما توانایی داشتن یک پایه کمپیوتر را ندارند و به سختی می توانند وجوهی را از مصارف خوار و بار ایشان صرفه کرده و با هشتاد و یا صد افغانی (یک ونیم و یا دو دالر) کتاب مورد ضرورت خود را خریداری کنند، کتابخانه های عامه و رایگان نیز به لطف مساعدت های ارگان های علمی و اکادمیک کشور های کمک کننده دارای کتب فراوان است، اگر به خاطر داشته باشیم اخیراً چند نمایشگاه کتاب هم در کابل وهم در هرات برگزار شد که مردم با علاقمندی به تماشای آنها رفتند.

وقتی به کتب عرضه شده نگاه می کنیم کتاب های تخنیکی و علوم طبعی را نسبت به کتب علوم انسانی و اجتماعی به مراتب بیشتر می بینیم و این امر مبین آن است که نسل کنونی نسبت به نسل دهۀ ۵۰ هـ ش، بیشتر به تکنولوژی وعلوم طبعی علاقمند است، که از لحاظ اشتغال و کاریابی، ابزار مساعدتر را بدست می دهد، انگار نسل کنونی به عملی بودن و کاربرد یک مسلک و تخصص که از کتاب دریافت می کند، به مفیدیت آن در کار زار زندگی بیشتر توجه دارد، به عبارت دیگر پیوند عینی وعملی مندرجات کتب با زندگی مادی، نزد نسل کنونی حایز اهمیت زیاد است. گرچه این مأمول با نیت فردی و کاملاً فردی آغاز می شود، ولی زمینه های اجتماعی را به دنبال خود ایجاد می کند، نفوس کنونی کشور ما که بیش از ٦٥ فیصد آن در حدود ۳۰ سال و کمتر از آن عمر دارد، کاملاً در مسیر آن است که به اولویت های عوامل جمعی نسبت به محدوده های آرمان های فردی، بیش از پیش ارجحیت بدهد، جمع است که به فرد معنی می دهد، جامعه است که تمام دانش های نظری وعملی را دریافت می کند مصرف کنندۀ تمام محصولات علمی وهنری که از کتب به فرد انتقال می کند، جامعه است و این حقیقت مبرمی است که ما نیاز اشد به درک عمیق آن داریم.

پایان


افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له موږ سره اړيکه ټينګه کړئ maqalat@afghan-german.de
يادونه: دليکنې د ليکنيزې بڼې پازوالي د ليکوال په غاړه ده ، هيله من يو خپله ليکنه له راليږلو مخکې په ځير و لولئ